

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: آذرخش
۲۳ اکتوبر ۲۰۲۱

رضا قریشی لنگرودی



رضا قریشی لنگرودی، متولد ۱۳۲۷ در تنکابن که در ۹ شهریور اسنبله [۱۳۶۷ در زندان گوهردشت کرج در جریان قتل عام زندانیان مارکسیست اعدام شد. در زمان رژیم پهلوی دانشجوی دانشگاه صنعتی و از سازمان دهندگان و فعالان جنبش دانشجویی بود. در تظاهرات و اعتراضات سیاسی دانشگاه شرکت فعال داشت. در همین زمان چند بار توسط رژیم شاه دستگیر و زندانی شد. آخرین بار در سال ۱۳۵۱ دستگیر و بعد از بازجویی و شکنجه زندانی شد. در زندان در سالهای بعد یکی از فعالان مبارزه ایدئولوژیک در درون زندان بود. رژیم پهلوی برای مهار مبارزات داخل زندان و جلوگیری از پیوند مبارزان آزاد شده با مبارزات و اعتراضات اجتماعی از آزاد کردن زندانیان بعد از اتمام محکومیتشان خودداری می کرد.

با اوج گیری مبارزات مردم، آزادی زندانیان سیاسی شروع شد. رضا در سال ۱۳۵۶ همراه سایر زندانیان سیاسی آزاد شد. مبارزات مردم نهایتاً منجر به تغییر رژیم شاه گردید. مبارزات ایدئولوژیک- سیاسی شروع شده در زندان در بیرون هم ادامه داشت. از زمان شکل گیری سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، رضا یکی از فعالان و بعداً یکی از اعضای مرکزیت آن بود. بعد از بروز بحران در سازمان رزمندگان، رضا از کوشندگانی بود که برای خروج آن از

بحران تلاش فراوانی می کرد. در همین دوران در شهرپور [سنبله] ۱۳۶۱ دستگیر شد. مدتها زیر شکنجه قرار داشت و سرانجام در سال ۱۳۶۵ به ۱۲ سال زندان محکوم شد.

در زندان جمهوری اسلامی هم همراه تعدادی از هم رزمانش به مبارزه ایدئولوژیک و باز اندیشی فعالی دست یازید. در ملاقاتهایی که با خانواده داشت رابطه زیبایی با دختر کوچکش که در زمان دستگیری او سه ماهه بود برقرار کرده بود. در یکی از نامه هایی که به همسرش نوشته، رضا گفته که «دخترش قلب او را ربوده است» در زمستان ۱۳۶۶ با خواهرش که او هم زندانی بود در زندان اوین ملاقاتی داشت. در این ملاقات رضا به او گفته بود که «همه زندانیان مارکسیست را دوباره در مورد عقاید ایدئولوژیک و اعتقادی شان بازجوییهای شدیدی می کنند» و نگرانی خود را از قصد زندانبانان برای اعدام آنها ابراز کرده بود. او آنقدر به این امر مطمئن بود که پیامی حاوی خدا حافظی برای همسرش فرستاد و گفت که دیگر هرگز او را نخواهد دید. چند ماه بعد به همراه تعدادی دیگر از زندانیان به زندان گوهردشت کرج منتقل شد. در ۹ شهریور [سنبله] ۱۳۶۷ با آگاهی کامل از سرنوشتی که رژیم جمهوری اسلامی برایشان نوشته بود بر فراز و پیشاپیش آن، سرنوشت خود را نوشت.



با باز نشر این دل نوشته عطیه قریشی، ما نیز با صدای دادخواهان خاوران همراه شده و به مناسبت دادگاه حمید نوری یکی از همدستان جلادان اوین و قزل حصار و گوهردشت، خواستار روشن تر شدن هرچه بیشتر زوایای این «جنایت علیه بشریت» می شویم.

« ما دادخواهان خاوران خواهان روشن شدن بی کم و کاست حقیقت هستیم! ما تعدادی از دادخواهان خاوران امروز در جلوی دادگاه ستکهلم گرد هم آمده ایم تا فریاد دادخواهی مادران و خانواده های خاوران و زندانیان سیاسی قتل عام شده چپ گرا و سایر دگراندیشان باشیم. قتل عامی که به جنایت علیه بشریت یا نسل کشی شناخته شده و در این دادگاه، به ویژه در مورد زندانیان سیاسی چپ، مورد کم توجهی قرار گرفته است.....» خیزش